



# همراهی با نامه ریبال رسول: جهاد افغانستان همان جهاد برای آزادسازی فلسطین است

همراهی با نامه ریبال رسول:

**جهاد افغانستان همان جهاد برای آزادسازی فلسطین است.  
و این یکی از حقایق درگیری میان صهیونیست و اسلام است.**

– اسرائیل علیه جهاد ملت افغانستان از زمان جهاد علیه شوروی سابق و تا کنون دخالت داشته است.  
– رهبران احزاب بنیادگرای افغانستان با اسرائیل در ارتباط بوده اند. دیپلمات آمریکایی در پاکستان و در کنفرانس علنی که در پاکستان برگزار شد آنها را چنین توصیف کرده است: آنها از کلاه گیس برای خود آبرو ایجاد کرده اند.  
– افغانستان همانطور که برای مسلمانان اهمیت بسزایی دارد برای صهیونیست ها هم مهم است. یکی از مهمترین ملت های مسلمان در این کشور زندگی می کنند و از لحاظ موقعیت جغرافیایی نیز در میان قاره آسیا، و در

همسایگی قطب های نظام بین المللی آینده قرار گرفته است.

– اعراب و مسلمانان اهتمام خود نسبت به افغانستان را از دست داده اند( البته به غیر از نیروهای اماراتی، اردنی و ترکیه ای که زیر پرچم آمریکا می جنگند) و اما اسرائیل اهتمامش را نسبت به افغانستان افزایش داده است.

– چرا اسرائیل عبدالله عزام و ابو حفص مصری را ربود؟

– چرا پروژه عزام و پروژه بن لادن به یک سرنوشت دچار شدند؟

– خلبانان اسرائیلی به همراه هواپیماهای آمریکایی در افغانستان و یمن و فلسطین با یکدیگر همکاری می کنند.

– “بنیادگرایان” همان همدستان اشغالگران آمریکایی در کابل، ایجاد روابط کامل با اسرائیل را تشویق می کنند، اما جریان طالبان به آنها حمله خواهد کرد و با اشغالگر آمریکایی به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد.

نوشته: مصطفی حامد – ابو ولید مصری

**پاسخ های مصطفی حامد – ابوولید مصری به برادر ریبال رسول.**

برادر / ریبال رسول

سلام علیکم

هیچ کس با زور مساله فلسطین را با مساله افغانستان در هم نیامیخته است چرا که این دو مساله در اصل یکی هستند. نه امروز بلکه از جهاد اول علیه اشغالگری شوروی این ارتباط وجود داشته است. تا آنجا که صهیونیست ها خود در مورد دخالت‌هایشان در مساله افغانستان در آن مرحله از جهاد مطالبی نوشتند، و این موضوع در بعضی از کتب نیز آمده است.

از مهمترین این دخالت ها :

1. مشارکت میلیاردر بزرگ یهودی – از ایالات متحده – در واسطه گری میان واشنگتن و مسکو برای دستیابی به راه حل مساله افغانستان که مصالح هر دو طرف را در افغانستان شامل شود. تلاش های وی نقش بزرگتری در دستیابی به توافقی داشت که باعث خروج ارتش شوروی از افغانستان و اتفاقات بعد از آن شد. دستیابی به حکومت چند حزبی با ریاست صبغت الله مجددی، که با کمک مالی رئیس اطلاعات سابق عربستان سعودی، ترکی الفیصل(یکی از ستون های ائتلاف کنونی سعودی – اسرائیلی، وی بیش از آنی که عرب باشد یک صهیونیست است) صورت پذیرفت.

2. افراد و سرویس های یهودی-آمریکایی پشت سر کمپین های تبلیغاتی رسانه ای (برای جهاد افغان ها) بودند که در خاک ایالات متحده آمریکا برای دعوت کادر فرماندهی افغانی و اسلامی به آمریکا برای دستیابی به این هدف تلاش می کردند.

3. ادعاهایی از طرف صهیونیست ها مبنی بر وجود روابط مستقیم با رهبران بنیادگرایان در پیشاور وجود داشته است. علیرغم این ادعاهای وقیحانه هیچ کدام از رهبران آن احزاب این ادعاها را رد و یا توجیه نکردند. بلکه یک دیپلمات آمریکایی در جریان کنفرانسی در یکی از شهرهای مهم پاکستان، آن رهبران را به افرادی تشبیه کرد که آبروی خود را با کلاه گیس بدست آورده اند. و این اهانت در روزنامه های

پاکستان نیز منتشر شد. و در برابر آن رهبر بنیادگرایان سکوتی مرگبار اتخاذ نمود. و با گذشت زمان و هنگامی که این رهبران به صفوف اشغالگران آمریکایی پیوستند، مهر تایید بر این اتهامات زده شد. شکی نیست که آنها به دنبال همکاری و عادی سازی روابط با اسرائیل هستند و جریان طالبان آنها و بزرگان آمریکایی شان را به زور سلاح به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد.

4. ادعاهای صهیونیست ها مبنی بر سقط شدن افرادشان (شهادایشان!!) در افغانستان در خلال این مرحله از جهاد علیه شوروی، که صهیونیست ها آنها را برای رصد جریانات میدانی به افغانستان فرستاده بودند. - این نشان می دهد که افغانستان برای مسلمانان و همچنین صهیونیست ها از اهمیت بالایی برخوردار است. در این کشور یکی از مهمترین ملت های مسلمان زندگی می کنند و افغانستان یکی از مهمترین موقعیت های راهبردی در قاره آسیا و در میان نیروهای بزرگ این قاره را در اختیار دارد.

اگر امروز اعراب و مسلمانان به دلایلی که می دانیم افغانستان را ترک کرده اند، اما اسرائیل چنین نکرده است ( طبعاً نیروهای عربی و اسلامی از امارات، اردن و ترکیه که زیر پرچم آمریکایی علیه ملت و مجاهدان افغانستانی می جنگند از این امر مستثنا هستند). اهتمام اسرائیل (نسبت به افغانستان) بسیار بیشتر شده، نه به خاطر اینکه کسی آنها را به این امر دعوت کرده است و یا درباره ارتباط جهاد برای آزاد سازی افغانستان و جهاد برای آزاد سازی فلسطین و دیگر سرزمین های عربی و در راس همه آنها حرمین شریفین، شام و عراق و مصر و یمن و ... و از اقیانوس تا خلیج از سیطره صهیونیست های اسرائیلی سخنی گفته است.

- آری، افغان ها از خون خود مالیات اشغالگری آمریکایی را برای افغانستان پرداخت می کنند، بعلاوه مالیاتی که بر جنایات عرب (دوستان) در حق افغانستان انجام می شود، شما را از اعراب صهیونیست که در همه جا مانند مور و ملخ و در خدمت اسرائیل در سرزمین های عرب و تمامی دنیا جولان می دهند برحذر می دارم. اما این سرنوشت افغانستان است، برخلاف بسیاری از مسلمانان دیگر، طبیعت ملت مومن افغانستان عزت، بزرگی، شجاعت و پذیرفتن ذلت است. و این امر به خودی خود افغانستانی ها را در جایگاه مواجهه با آمریکا و اسرائیل و دشمنان اسلام در همه جا قرار می دهد.

- اما درباره دکتر عزام که اسرائیل در عملیات ربودن وی مشارکت - میدانی - داشت و طرفهای فلسطینی و پاکستانی و افغانستانی نیز همکاری داشتند.

- ایده دکتر عزام در ذات خود خوب بود، و آن مقاومت مسلحانه علیه اشغالگری صهیونیستی تا آزادی فلسطین بود.

اما حداقل دو اشتباه داشت:

اول: نداشتن تصور کامل از مقاومت مسلحانه ای که به آزادی فلسطین منجر شود. این امر مستلزم بسیج تلاشهای بزرگ داخل فلسطین و پیرامون عربی و عمق اسلامی آن است.

دوم: اینکه وی مشورت و هماهنگی لازم را با نیروهای فلسطینی همسو با این تفکر انجام نداد و در نتیجه در ابتدای راه بین آنها برخورد ایجاد شد. تا اینکه با ردّ (از طرف گروه های اسلامی و فلسطینی) و تهدید از جانب جریان فلسطینی که به دنبال عادی سازی روابط با اسرائیل و منافع شخصی از طریق تفاهم با اسرائیل زیر سایه آمریکا بودند، مواجه شد.

– شاهد هستیم که اینها همان اشتباهات بن لادن در مشورت نکردن در انجام عملیات بزرگی همچون “جهاد علیه آمریکایی ها برای خارج کردن آنها از جزیره العرب” بوده است. وی گمان می کرد که با انجام دو یا سه عملیات توسط سازمان القاعده این کار انجام خواهد شد. پروژه عزام و بن لادن با ناکامی در وصول به نقاط مثبت پایان یافت اما نکات منفی آن همچنان ادامه دارد خصوصا در زمینه فکر و عمل سازمانی .

اما در مورد حادثه ربوده شدن یکی از فرماندهان القاعده در افغانستان (ابوفحص مصری) در خلال دیدارش با جوانانی از فلسطین برای گفتگو در مورد مسائل مشترک جهادی.

در سیاست عملیات های پیشگیرانه و تهاجمی انجام می گیرد که اسرائیل دائما از آن علیه دشمنانش و حساسیت خاصی که نسبت به فکر جهادی دارد استفاده می نماید چرا که می داند این مساله وجود او را تهدید می کند.

این عملیاتی که هواپیماهای آمریکایی آن را به اجرا درآوردند نشان می دهد اهداف اسرائیل و آمریکا کاملا یکی است. هواپیماهای آمریکایی در افغانستان تلاشها را در نطفه خنثی می کنند تا شاید بتواند امنیت اسرائیل را در آینده دور تامین نماید.

سپس هواپیماهای آمریکایی با هماهنگی و همکاری کامل با خلبانان اسرائیلی نیروهای چند ملیتی را جابجا می کنند. صرف نظر از اینکه این هواپیماها با علامت نیروی هوایی آمریکایی باشند و افغانستانی ها را بکشند یا ملت یمن را در حالی که علامت نیروی هوایی سعودی و اماراتی را دارند به قتل برسانند. و یا فلسطینی ها را بکشند در حالی که علامت ستاره داوود اسرائیلی را بر روی خود دارند. اینها همان هواپیماها و همان خلبان ها، همان اهداف و همان جنگ هستند حتی اگر بخواهند ما را از این حقیقت دور نگه دارند.

و فراموش نمی کنیم آنچه که اخیرا اجرا شد. بلند شدن هواپیماهای بدون خلبان اسرائیلی و 3000 حمله هوایی برای قتل و ربایش افراد در افغانستان و با هماهنگی نیروهای کانادایی و آلمانی . و آنچه که خلبانهای اسرائیلی از ابتدای جنگ آمریکا تا کنون در افغانستان انجام داده اند. همانطور که سلاح های اسرائیلی اکنون در آنجا وجود دارد. بعلاوه نیروهای نظامی اسرائیلی که از کارکشتگان جنگ های نامتقارن و آزاد سازی و جنگ های چریکی هستند. این امر نه فقط در افغانستان و قبل از آن ویتنام، بلکه از زمان جنگ جهانی دوم و جنگهای مردمی علیه ارتش آلمان در اروپا وجود داشته است.

اسرائیلی ها دائما در عملیات هایی که علیه افغانستان و مردم آن بوده است مشارکت داشته اند. و آن را به عنوان دفاع از جاه طلبی های خود قلمداد می کنند. آنها نیاز ندارند که کسی برای آنها شرح دهد که مصالح آنها چیست و یا چقدر خطرناک است که هر کدام از ملت های مسلمان بخواهند آزادانه به آن آزمندی های یهود دست اندازی کنند، پس به ملت افغانستان چه کار دارید؟ کشوری که از لحاظ جغرافیایی در موقعیتی مستحکم از شمال و جنوب در قاره آسیا قرار گرفته و در مجاورت مهمترین قطبهای آسیا و نظام های بین المللی آینده قرار دارد؟

– این مساله نباید مسلمانان را به گوشه نشینی، ترس و در لاک خود فرورفتن و احتیاط بیش از حد و یا انکار و چشم پوشی حقایق سوق دهد (تا با این کار اسرائیل را تحریک کنیم) زیرا اسرائیل برنامه ای

جهانی دارد و هیچ مساله ای باعث تحریک او نمی شود و تنها چیزی که اسرائیل را تحریک می کند، تهدید برنامه جهانی اوست.

– در این میان یک حقیقت ذاتی وجود دارد و آن ارتباط کامل میان آمریکا و اسرائیل است. حقیقتی که بر اساس آن هر دو طرف دائما و در بالاترین میزان با یکدیگر در ارتباط هستند و هیچ کس این ارتباط را ایجاد نکرده است. سیاست های آمریکا در کشورهای عربی به شکل خاص و کشورهای اسلامی به شکلی عمومی مرتبط با برنامه های اسرائیل است. در نتیجه هر گونه تلاش برای آسیب رساندن و یا مواجهه با اهداف استعماری آمریکا در هر نقطه از کشورهای اسلامی، کاملا مصالح اسرائیل را خدشه دار می کند.

– بر اساس این حقیقت جهاد ملت افغانستان یک جهاد واقعی در راه آزادی فلسطین است. آمریکایی ها و اسرائیلی ها بی آنکه به صورت علنی آن را به جهاد افغانی ها نسبت دهند، به آن اقرار نمودند. این حقیقت از درگیری میان صهیونیست (یهودی/ آمریکایی/عربی) و اسلام و ملتهای مسلمان در هر کجای دنیا که باشند برداشت می شود.

نوشته:

مصطفی حامد – ابو ولید مصری

منبع:

سایت سیاسی مافا ( ادبیات ممنوعه)

[www.mafa.world/fa](http://www.mafa.world/fa)

